

# کلاغ زرنگ تر از روباه



نویسنده: سیده خیری کراماتی  
تصویرگر: سید محمدرضا موسوی کراماتی

نام کتاب: کلاغ زرنگ تر از روباه  
نویسنده: سیده خیری کراماتی  
تصویرگر: سید محمدرضا موسوی کراماتی  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۷۴-۰  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

سرشناسه: کراماتی، سیده خیری، ۱۳۵۹-  
عنوان و نام پدیدآور: کلاغ زرنگ تر از روباه/ نویسنده سیده خیری کراماتی؛  
تصویرگر سید محمدرضا موسوی کراماتی.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۲۰ص: مصور(رنگی)؛ ۱۵×۱۵س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۷۴-۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: کلاغ‌ها -- داستان  
داستان‌های حیوانات  
داستان‌های آموزنده  
Crows -- Fiction  
Animals-- Fiction  
Didactic fiction  
شناسه افزوده: موسوی کراماتی، سید محمدرضا، ۱۳۷۸-، تصویرگر  
رده بندی دیویی: ۵۹۸/۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۶۶۷۰۱  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



انتشارات ارسطو



زیر آسمون خدا، یه کلاغی بود که روی یه درختی، کنار رودخونه زندگی می کرد، کلاغه  
با یه خانم کبوتری هم دوست بود که بعضی وقتها می رفت بهش سر می زد،  
کبوتر خانم کنار کوه روی یه درخت لونه داشت و تو لونه اش هم چند تا تخم گذاشته  
بود و دوست داشت هر چه زودتر جوجه هاش از تخم در بیان تا اونها رو ببینه



یه روز صبح، کلاغ که از خواب بیدار شد

بعد اینکه چند تا دونه ای که تو لونه داشت رو خورد، گفت :یه سر برم پیش دوستم  
کبوتر، ببینم چکار

میکنه،جوجه هاش از تخم در اومدن یا هنوز زوده که در بیان،چند روز دیگه مونده؟  
کلاغ به سمت کوه پرواز کرد وقتی رسید به درختی که لونه ی کبوتر اونجا بود رو  
یکی از شاخه های درخت ،

نزدیک لونه نشست و سلام کرد و شروع کرد به حرف زدن با کبوتر:

خب کبوتر جوجه هات از تخم در نیومدن؟

راستی چندتا جوجه ان؟

کبوتر در حالی که سرش را پایین انداخته بود با ناراحتی گفت:یکی

کلاغ با تعجب گفت: یکی؟ تو که تخمات خیلی بیشتر بود

کبوتر گفت بله بیشتر بود اما یه چند روزی میشه که هر روز ظهر، روباهه میاد پایین  
درخت وایمیسه و میگه : زود باش یه تخمی بنداز تا بخورم و گرنه میام بالا میخورمت